

ریخت شناسی ادبیات داستانی و عناصر و انواع آن در ادبیات عرب

هدایت الله تقی زاده^۱

تاریخ پذیرش : ۹۸/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت : ۹۸/۰۱/۲۱

چکیده

این مقاله با عنوان "ادبیات داستانی" به بررسی عناصر داستان، ویژگی‌های داستان، شعر و نثر داستانی در ادبیات عرب و ادبیات جهان و انواع آن در ادبیات عرب می‌پردازد. عرب‌های قدیم، داستان و قصه را به‌عنوان نوع مستقلی از انواع ادبیات نمی‌دانستند و از آن به‌عنوان ابزاری برای انتقام خود بهره می‌بردند؛ به همین دلیل است که قصه در ادب قدیم عرب با تاریخ همراه است، همچنین با کتب سیره دینی و ادبی و کتب نوادر و شرح اَسْمَار (داستان‌های شبانگاهی) و حکایات خبری و ... بعدها فنون داستان و قصه‌نویسی کم‌کم مستقل شد و آن را در انواع خاصی از تألیفات می‌توان یافت. در این پژوهش ضمن گذری بر تاریخچه ادبیات داستانی در ادبیات عرب، به بررسی اشکال و انواع آن، شعر و نثر داستانی و قالب‌های آن با محتوای داستان و عناصر موجود در آن پرداخته شده است و این نتیجه حاصل شد که داستان‌نویسان عرب در آغاز، بیشتر داستان‌ها را ساده بیان می‌کردند و نوگرایی پس از حمله ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ م شروع شد.

کلید واژگان: ریخت‌شناسی، عناصر داستان، شعر، نثر، ادب عرب.

۱. مقدمه

عرب‌ها و مسلمانان، علاوه بر امّتی غنائی (شاعر)، امّتی راویه (قصه‌گو) هم بودند. در ادبیات قدیم عرب، اشکال و اسلوب‌های قصه متنوع و متعدد بود و بسیاری از عناصر قصه در برخی علوم راه یافت؛ مخصوصاً در تاریخ، سیاست و ادب و نیز سفرنامه‌ها و سرگذشت‌ها. معادل اصطلاح داستان، به معنای امروزی آن، در ادبیات معاصر عربی، "القِصَّةُ الفَنیَّةُ" یا "القِصَصُ الفَنیُّ"؛ و معادل اصطلاح قصّه‌ی سنتی در ادبیات معاصر ادبی، همان "القِصَّةُ" آمده است (پروینی، ۱۳۷۳: ۴۷-۴۸).

با در نظر گرفتن تعریف ارائه‌شده از قصه و داستان، می‌توانیم بگوییم که داستان در مفهوم عام (ادبیات داستانی)، کاری هنری است و داستان‌نویس فکر، اندیشه، احساس و تخیل خود را درباره زندگی و پیرامون خود در قالب مجموعه‌ای حوادث، قهرمانان، افکار و صحنه‌ها که با اسلوب گفتگو یا اسلوب توصیف (سرد) می‌شود، بازآفرینی می‌کند (همان: ۵۰). قصه تاریخچه‌ای بسیار کهن دارد؛ اما داستان به شکل نوین آن، محصول ادبیات جدید غرب است و در ادبیات معاصر عربی، از زمان حمله ناپلئون بناپارت به مصر در سال ۱۷۹۸ م گسترش یافت (همان: ۴۷).

۱.۱. روش تحقیق

این پژوهش سعی دارد با رویکردی توصیفی-تحلیلی به تاریخچه ادبیات داستانی؛ ادبیات داستانی در شعر و نثر پرداخته بپردازد. و هدف این است که بخشی از ادبیات داستانی با تأکید بر شعر و نثر داستانی و عناصر آن دو بررسی شود. در این راستا از منابع کتابخانه‌ای، سایت‌ها و نظرات مندرج در منابع مختلف، بهره‌گیری شده است.

۱.۲. پیشینه تحقیق

با توجه به تحقیقات به‌عمل‌آمده درباره موضوع این مقاله، این نتیجه به دست آمد که برخی کتاب‌ها و یا مقالاتی که با این موضوع در ارتباطند، عبارتند از:

- طائی، ابراهیم. (۲۰۱۲ م)، *بین القصّة الأدبیّة والقصّة الصحفیّة*، الجامعة العرّاقیّة، کلیة الآداب.
- پروینی، خلیل. (۱۳۷۳ ش)، *تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن*، تهران، فرهنگ گستر.
- اباطة، ثروت. (بی‌تا)، *القصّة فی الشعر العربی*، مصر، مکتبه مصر.
- ابوهیف، عبدالله. (۲۰۰۰ م)، *النقد الأدبی العربی الجدید، فی القصّة و الروایة و السرد*، منشور اتحاد الکتاب العرب.
- مقاله "ملاحح من الشعر القصصی فی الأدب العربی" از نوری حمودی علی القیسی، کلیة الآداب، جامعه بغداد، ۲۰۰۳ م.
- مقاله "القصّة فی شعر امرئ القیس" از عمر الطالب، که در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی موجود است.

- مقاله "الشعر القصصی و الأدب العربی" از حسین نصار، که در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی موجود است.

۲. بحث

۲.۱. داستان

داستان (Story) اثری است روایی به نثر که مبتنی بر خیال باشد. گفته می‌شود اصولاً واژه داستان از واژه تاریخ مشتق شده است؛ زیرا داستان به علت وابستگی به زمان و مکان، به‌طور قابل‌توجهی وام‌دار وقایع تاریخی و تاریخ اجتماعی است (عبدالحمید، ۱۹۹۲: ۲۳). برخی معتقدند که داستان، مجموعه‌ای از حوادث است که نویسنده آن‌ها را می‌بیند و آن‌ها را دربرگیرنده حادثه‌ای یا حوادثی است که مربوط به شخصیت‌های مختلفی هست (نجم، ۱۹۹۸: ۹). در رمان، رمانس، داستان کوتاه، قصه، نمایشنامه، فیلم‌نامه، شعر روایتی و ... داستان وجود دارد؛ برای مثال می‌گوییم: داستان این نمایشنامه، این منظومه یا این رمان....

۲.۲. عناصر داستان

داستان، بیانی است که در آن خبری را بیان می‌کند؛ چه واقعی باشد و چه خیالی، ولیکن نمی‌توان هر خبر یا مجموعه‌ای از اخبار را قصه بشمار آورد؛ بلکه باید ویژگی‌های معینی را شامل شود تا بتوان آن خبر را در زمره داستان دانست (عبدالحمید، ۱۹۹۲: ۲۳).

داستان به‌عنوان یک متن ادبی از عناصر و اجزا مختلفی تشکیل می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها به‌اجمال عبارتند از:

۲.۲.۱. طرح یا پیرنگ (حُبْكَةُ الْقِصَّةِ): چون و چرایی حوادث را در داستان نشان می‌دهد (فریجات، ۲۰۰۰: ۹).

۲.۲.۲. گره‌افکنی (العُقْدَةُ الْقَتِيَّةُ): به هم انداختن حوادث و اموری است که پیرنگ داستان را گسترش می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر وضعیت و موقعیت دشواری است که بعضی اوقات به‌طور ناگهانی ظاهر می‌شود و برنامه‌ها، راه و روش‌ها و نگرش‌هایی را که وجود دارد، تغییر می‌دهد (طائی، ۲۰۱۲: ۹۱).

۲.۲.۳. گفتگو (الحوار): گفتگو به معنای صحبت، بحث، سخن، محاوره و مکالمه است. گفتگو در داستان، اهمیت زیادی دارد؛ چراکه زنده‌بودن داستان را در بالاترین سطح نشان می‌دهد. گفتگو با خود یا با دیگران، انگیزه‌ها، تمایلات، کشمکش‌ها و آرامش‌های درونی شخصیت را نشان می‌دهد (همان: ۱۷۸-۱۷۷).

۲.۲.۴. درون‌مایه (الفِكرَةُ): درون‌مایه فکر اصلی و مسلط در هر اثری است. درون‌مایه، جوهره معنای داستان؛ یعنی محتوا را به نمایش می‌گذارد و داستان برای ارائه آن، از عناصری چون شخصیت، عمل داستانی، صحنه، فضا، رنگ و عناصر دیگری بهره می‌گیرد (طالب، بی‌تا: ۶۱-۶۰).

۲.۲.۵. شخصیت یا قهرمان (البطل): قهرمان و شخصیت‌های داستان، کسانی هستند که با اعمال و گفتار خود، داستان را به وجود می‌آورند (همان).

۲،۲،۶. راوی داستان یا زاویه دید (العَرَضُ الْقِصَصِي): هر داستان به طریقی روایت می‌شود (همان).

۲،۲،۷. صحنه (بَيِّنَةُ الْقِصَّة): مهم‌ترین وظیفه صحنه، آفرینش محیطی است که در نتیجه‌ای که از داستان به دست می‌آید، دخیل باشد. این صحنه ممکن است در هر داستان متفاوت باشد و عملکرد جداگانه‌ای داشته باشد (طائی، ۲۰۱۲: ۱۷۸-۱۷۷) و

داستان به معنای عام خود، چهار گروه اصلی را شامل می‌شود که عبارتند از: قصه، رمانس، داستان کوتاه و رمان که هر یک انواع و اقسام متعددی دارند که پرداختن به همه آن‌ها از دایره این بحث خارج است و از آنجا که محدوده این مقاله تنها به مبحث "قصه" و "داستان" مربوط می‌شود، از پرداختن به سایر انواع ادبیات داستانی صرف‌نظر می‌کنیم.

۲،۳. قصه

قصه در لغت، به معنای حکایت، سرگذشت و خبر و در اصطلاح ادبی، گونه‌ای اثر ادبی مکتوب یا شفاهی است که در آن به شرح سرگذشت اشخاص می‌پردازند (طائی، ۲۰۱۲: ۴۰).

قصه، مجموعه حوادثی است که نویسنده آن‌ها را روایت می‌کند و دربردارنده یک یا چندین حادثه است که به شخصیت‌های مختلف انسانی وابسته هست. آن، ترکیب خاصی در نقل حوادث است؛ خواه واقعی؛ خواه خیالی که در خلال آن، شخصیت‌ها رشد می‌کنند و عناصر اصلی به شیوه‌ای معین با یکدیگر مرتبط می‌شوند و با قصد معینی که نویسنده دارد، در جهتی حرکت می‌کنند (شارونی، ۱۹۸۹: ۱۹-۱۸).

در بررسی قصه، ناقد از اصطلاحات زیر بهره می‌گیرد: قصه، سیره، حدیث، حکایه، السمر، خرافه، اسطوره، روایه، نادره، خبر، مثل و مقامه (ابوهیف، ۲۰۰۰: ۳۳). قصه، آن‌گونه که امروزه وجود دارد، نبوده است. فرهنگ‌ها و آداب بسیاری در آن اثر گذاشته‌اند (همان: ۳۵). حتی گفته می‌شود که عرب‌ها نیازی به قصه و مسرح نداشته‌اند و از این دو مسئله بسیار دور بوده‌اند (اباطه، بی‌تا: مقدمه).

قصه، تاریخچه‌ای بسیار قدیمی دارد و نمی‌توان به‌طور دقیق، جایگاه نخستین قصه‌های تاریخ بشری را تعیین نمود. قصه‌پردازی یکی از ویژگی‌های اساسی فرهنگ ملت‌ها است و نمی‌توان ملتی یافت که در میراث تاریخی آن قصه نباشد. می‌توان مجموعه‌ای از قصه‌های به‌جامانده از فرهنگ و تمدن مصر را که قدمت آن به چهار هزار سال پیش از میلاد می‌رسد، کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده قصه و حکایت دانست (مؤمنی، بی‌تا: ۲۴).

۲،۳،۱. قصه در ادبیات عربی قدیم

عرب‌ها و مسلمانان، علاوه بر امّتی غنائی (شاعر)، امّتی راویه (قصه‌گو) هم بوده‌اند (طلیمات، ۱۹۹۲: ۵۶۲). در آن زمان اشکال و اسلوب‌های قصه متنوع و متعدد بود و بسیاری از عناصر قصه در برخی علوم راه یافت؛ مخصوصاً در تاریخ، سیاست و ادب و نیز سفرنامه‌ها و سرگذشت‌ها. عرب‌های قدیم، قصه را به‌عنوان نوع مستقلی از انواع ادبیات نمی‌دانستند و از آن به‌عنوان ابزاری برای انتقام یا ابزار خصومت خود بهره می‌جستند؛ به همین دلیل است که قصه در ادب قدیم

عرب با تاریخ قرین است، همچنین با کتب سیره دینی و ادبی و کتب نوادر و شرح اَسْمَار (داستان‌های شبانگاهی) و حکایات خبری و بعدها فنون قصه کم‌کم مستقل شد و آن‌ها در انواع خاصی از تألیفات می‌توان یافت؛ مانند: سیره‌نویسی، سفرنامه‌ها، شرح حال حیوانات، قصص نوادر، اسطوره و... (ابوهیف، ۲۰۰۰: ۷۰-۶۲).

۲,۳,۲. تفاوت قصه و داستان

لازم به ذکر است که معادل اصطلاح داستان، به معنای امروزی آن، در ادبیات معاصر عربی، "القِصَّةُ الفَنِّيَّةُ" یا "القَصَصُ الفَنِّيُّ"؛ و معادل اصطلاح قصه‌ی سنتی در ادبیات معاصر ادبی، همان "القِصَّةُ" آمده است (پروینی، ۱۳۷۳: ۴۸-۴۷). با در نظر گرفتن تعریف ارائه‌شده از قصه و داستان، می‌توانیم بگوییم که داستان در مفهوم عام (ادبیات داستانی)، کاری هنری است و داستان‌نویس فکر، اندیشه، احساس و تخیل خود را درباره زندگی و پیرامون خود در قالب مجموعه‌ای حوادث، قهرمانان، افکار و صحنه‌ها که با اسلوب گفتگو یا اسلوب توصیف (سرد) می‌شود، بازآفرینی می‌کند (همان: ۵۰).

۲,۳,۳. شعر داستانی

یکی از انواع شعر در ادبیات عرب، شعر داستانی است. شعر داستانی در آن واحد، هم شعر است هم داستان که حوادث و رویدادهای معین را با لباس قصه پوشانده است. موضوع شعر داستانی ممکن است که واقعی یا خیالی باشد (زیدان، بی‌تا: ۵۳/۱-۵۱). با اندکی تدبیر در متون ادبیات عربی، این نکته فهمیده می‌شود که ریشه‌های شعر داستانی را از زمان معلقات در دوره‌ی جاهلی تا عصر حاضر می‌توان در اشعار عربی یافت. اگر هم نخواهیم که به معلقات عنوان اشعار داستانی را اطلاق کنیم، باید این نکته را متذکر شویم که این اشعار در بردارنده‌ی حوادثی هستند که برای شاعر رخ داده و شاعر آن‌ها در قصیده‌اش به روش داستانی از طریق تفاخر به نسبتش یا به شجاعت در جنگ یا بیان اخبار گذشتگان بیان کرده است. برخی از کتب نقد ادبی، انواع شعر داستانی را به این صورت تقسیم نموده‌اند: شعر داستانی تاریخی، شعر داستانی دینی، شعر داستانی اخلاقی و تعلیمی، شعر داستانی اجتماعی (رافعی، ۲۰۰۰: ۱۱۵/۳-۱۱۱).

پیشتر اشاره کردیم که شعر داستانی اشکال متعددی دارد که یکی از آن‌ها حماسه است. بیشتر معلقات بیانگر حوادثی هستند که در زندگی شاعر رخ داده است. شاعران، حوادث را در بخشی از قصیده برای فخر و بیان دلوری‌های خود در جنگ روایت می‌کنند. بسیاری از ناقدان عرب که به تدوین تاریخ و ادب همت گماشتند، داستان‌های شعری را به دلیل قرابت با شعر حماسی انکار نموده‌اند. این ناقدان به این نتیجه رسیده‌اند که ادبیات عربی از شعر داستانی و حماسی محروم بوده است (امین، ۱۹۶۳: ۸۱-۸۰). جرجی زیدان معتقد است که شعر، یکی از قدیمی‌ترین آداب نزد سامی‌ها بوده است؛ اما بیشتر غنائی بوده و نوع داستانی آن، بسیار اندک است (زیدان، بی‌تا: ۵۱/۱).

در مقابل؛ برخی معتقدند که عرب‌ها، شعرهای داستانی داشتند. دلایل ایشان عبارت است از:

- باستان شناسان اروپایی بر خرابه‌های برجای‌مانده از دولت سبئی در یمن (قرن هشتم پیش از میلاد) به برخی از آثار برخوردند که بر روی آن‌ها نام بیش از ۳۰ پادشاه آنان ذکر شده بود.

- مورخان می‌گویند سیل عرم، یک قرن قبل از میلاد مسیح (ع) رخ داد و حوادث بسیاری داشت.
- مورخان بیان کردند که سرزمین سبأ، یکی از حاصلخیزترین سرزمین‌های یمن بوده و برخی پادشاهان آنجا؛ مانند عمروبن عامر، شاعر بوده است. او شعری سروده که موشی، با پایش سنگی را از سد عرم انداخته و آن‌ها سوراخ نموده که پنجاه مرد، توانایی آن کار را نداشتند. شکی نیست که این شعر، اسطوره است؛ اما نشان می‌دهد که عرب‌ها از قدیم، شعر می‌سرودند و برخی اشعارشان نیز داستانی بوده است (قناوی: ۱۹۴۹: ۲۷).

۲,۳,۴. نثر داستانی در ادبیات عرب

همان‌طور که پیشتر گفته شد، داستان‌نویسان عرب در آغاز، بیشتر داستان‌ها را ساده بیان می‌کردند، تا اینکه بعدها با تحول و تطور ادبیات، داستان‌نویسی در جوامع عرب رشد نمود. در ادبیات عرب، نوگرایی پس از حمله ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ م شروع شد. این حمله باعث برخورد و فعل‌وانفعالات سیاسی- فرهنگی غرب و شرق در مقابل یکدیگر شد (فاخوری، ۱۹۸۶: ۱۱/۲). اولین نمونه‌های داستان‌نویسی در ادبیات عرب با داستان‌های تاریخی شروع شد. جرجی زیدان در این زمینه آثار بسیاری دارد. *ابومسلم خراسانی، فاجعه رمضان، صلاح‌الدین ایوبی* و ... از آثار اوست (همان: ۲۷/۲). *"العبرات"* منفلوطی، *"الآیام"* طه حسین و ... نیز از داستان‌های عربی محسوب می‌شود. اکنون به‌اجمال برخی از نویسندگان عرب و آثار داستانی آن‌ها بررسی می‌شود:

۲,۳,۵. نثر داستانی در مصر

توفیق الحکیم، جرجی زیدان و نجیب محفوظ و ... از داستان‌نویسان به نام مصر محسوب می‌شوند (همان: ۲۹/۲). داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ متأثر از آثار مصطفی لطفی المنفلوطی بود. او داستان‌های خود را وسیله‌ای برای روشن کردن افکار و اصلاح و بهبود جامعه می‌دانست. از میان آثار او می‌توان به *"بدایه و نهاییه"*، *"سراب"* و *"زقاق المدق"* (کوچه مدق)، *"خماره القط الاسود"* (میکده میمون سیاه) و *"الحب فوق هضبه الهرم"* (عشق بر بلندی تپه) و ... اشاره کرد (فضول، ۱۹۷۰: ۳۴-۲۹).

رمان *"کوچه مدق"*، حکایت محله‌ای قدیمی و فقرزده در قلب مصر است. حمیده دختری جوان است و بزرگ‌ترین آرزوی فرار از این محله نکبت‌بار و رسیدن به یک زندگی ایده‌آل است. عباس حلو، جوانی پاک‌سرشت است که عاشق حمیده می‌شود؛ اما او فقیر است. عباس برای برآوردن خواسته‌های حمیده به استخدام ارتش انگلستان درمی‌آید و ... اما این همه داستان نیست. داستان، داستان زندگی کسانی است که هر یک دغدغه خود را دارد (همان: ۳۶).

رمان *"بدایه و نهاییه"*، حکایت سه برادر است. آن‌ها در آغاز داستان، پدرشان را از دست می‌دهند. پسر بزرگ‌تر خانواده حسنین کامل نام دارد. او برای مدتی در وزارت معارف مشغول به کار می‌شود؛ اما به دلیل پایین بودن حقوق آنجا، به خدمت ارتش درمی‌آید؛ چراکه با حقوق اندک وزارت معارف، نمی‌توانست امرارمعاش کند. پسر وسط خانواده حسین نام دارد که به دانشگاه رفته و موفق به دریافت مدرک کارشناسی می‌گردد؛ اما درآمد او نیز اندک است. اما

پسر سوم خانواده به تجارت مواد مخدر مشغول است و از نظر وضع مالی، درآمدش بسیار بالاست. او به هیچ‌یک از اعضای خانواده‌اش اهمیتی نمی‌دهد؛ حتی به تنها خواهرش که بعد از مرگ پدرشان، به‌ناچار خیاطی می‌کرد تا امرارمعاش نماید (همان: ۳۶-۳۷).

از دیگر داستان‌های نجیب محفوظ "سراب" است. شخصیت اصلی در این حکایت، کارمندی به نام رؤبه^۱ لاظ است که با درآمد ماهیانه بسیار اندکی زندگی می‌کند. به خاطر درآمد پایینش از مادرش کمک مالی می‌گیرد و این مسئله او را بسیار رنج می‌دهد و همیشه نزد مادر خجالت‌زده و شرمگین است. پدربزرگش افسر بازنشسته و پدرش از اعیان منطقه است. او با معلمی ازدواج می‌کند و در این داستان پزشکی نیز ایفای نقش می‌کند و مدعی می‌شود که با خانواده همسر او قرابت و نزدیکی دارد (همان: ۳۷).

از دیگر داستان نویسان، جبران خلیل جبران است که در سال ۱۸۸۳ میلادی در لبنان به دنیا آمد (فاخوری، ۱۹۸۶: ۲۱۹/۲). معروف‌ترین اثر این نویسنده بزرگ "پیامبر" (النَّبِي) است که به بیش از سی زبان زنده دنیا ترجمه شده است. داستان‌های "یوحنا مجنون" (يوحنا المجنون)، "حجله‌گاه عروس" (مَضْجَعُ الْعُرُوسِ) و "بالهای شکسته" (الأجنحة المتكسرة) از داستان‌های موفق ادبیات عرب محسوب می‌شوند (همان: ۲۲۸/۲-۲۲۷).

داستان حجله‌گاه عروس، حکایت عشق است. در این داستان، دختری جوان با مردی ثروتمند ازدواج می‌کند. دختر، تلخی ازدواج تحمیلی را می‌چشد و برخلاف سنت‌های مرسوم، شوهر را ترک می‌گوید و به محبوب واقعی خود که همانا عشق راستین است، می‌پیوندد (همان: ۲۲۸/۲).

۲،۳،۶. نثر داستانی در فلسطین

ادبیات داستانی در سرزمین فلسطین بانام‌هایی؛ چون حلیم برکات و غسان کنفانی و ... معرفی می‌شود. حلیم برکات در داستان "شش روز"، مسأله وابستگی را در زندگی این تبار پیش می‌کشد. شخصیت اصلی این داستان، "سهیل" است. سهیل اهل روستای "دیر البحر" است که یهودیان به آن هشدار دادند یا خود را تسلیم کند، یا نابودی همیشگی را به جان خریدار شود. سهیل در این داستان، در یک بحران قرار می‌گیرد. آیا وابسته به اروپا شود یا نسبت به ارزش‌های سرزمینش تعهد داشته باشد؟! او عاشق دختری به نام "ناهد" شده که هم‌کیش او نیست و ...

"مردان آفتاب" یکی از آثار برجسته غسان کنفانی در حوزه ادب مقاومت است. او سرگذشت این مجموعه بشری را به میان می‌آورد. مجموعه‌ای که زورگویان زمین را از زیر پایش بیرون کشیده، برای او تنها امید زنده ماندن به‌جا گذاشته‌اند. "مردان آفتاب" ابوقیس و اسعد و مروان هستند که توانسته‌اند خود را به شهر بصره در عراق برسانند و از آنجا به کویت فرار کنند. این سه مرد روی‌هم، ملت آواره فلسطین را نمایش می‌دهند. سه مرد داستان "مرد آفتاب" برای عبور از پاسگاه‌های مرزی به‌ناچار و به‌صورت قاچاق خود را درون یک تانکر نفت کش مخفی می‌کنند. با عبور از پاسگاه اول و دوم و طی یک سلسله حوادث پرکشش، مردان آفتاب در داخل نفت کش خفه می‌شوند و راننده نفت کش

بر سر مردگان فریادی بلند می‌زند که چرا بر دیوار نفت کش نزدیکش نزدیک؟ چرا بر دیوار زندان مشت نکوفتید؟ چرا؟ چرا؟
چرا؟ (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۶).

۲,۳,۷. نثر داستانی در سوریه

در ادبیات داستانی سوریه، نام غاده السمان می‌درخشد. غاده السمان نویسنده، شاعر و متفکر معاصر سوریه است. بیشتر آثار نظم و نثر غاده السمان به زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است. به‌ویژه داستان‌های کوتاهش به زبان‌های انگلیسی، روسی، فرانسوی، آلمانی، یوگوسلاوی، لهستانی، اسپانیایی، ایتالیایی و ... برگردانده شده است. او آثار نظم و نثر بسیاری دارد که از آن میان می‌توان به این موارد اشاره کرد: **عیناک قدری** (چشمات سرنوشت من است)، **أعلنت عليك الحب** (بر تو اعلان عشق می‌کنم)، **رحيل المرافىء القديمة** (کوچ بندرهای قدیمی)، **حب (عشق)**، **رسائل الحنين إلى الياسمين** (غمنامه‌ای برای یاسمن‌ها)، **القلب نورس وحيد** (دل، چلچله دریایی تنهایی است) و ... (همان: ۱۸).

۲,۳,۸. نثر داستانی در الجزایر

از پیشگامان داستان‌نویسی نوین در الجزایر محمد دیب است. از جمله داستان‌های او "**الصيف الإفريقي**" (تابستانی آفریقایی) است. شخصیت اصلی این داستان "زکیه" است. زکیه کارنامه پایان تحصیلات دبیرستان را کسب کرده و می‌خواهد شغل آموزگاری را برگزیند؛ اما خانواده از او می‌خواهند که ازدواج کند. او بعد از بیان این داستان به کشاورزی به نام "مرحوم" می‌پردازد که سوار بر الاغ است و به‌سوی شهر می‌رود و نمی‌خواهد سربازان مسیر راه خود را ببینند. او سربازان فرانسوی را دیده بود که سراسیمه می‌دویدند و با رگبار و خون و مرگ، خیابان‌ها را به گورستان تبدیل می‌کردند. محمد دیب در ادامه به مردی به نام "بابا علال" می‌پردازد که صبح زود صدای در خانه‌اش به گوش می‌رسد و ناگهان با مردی روبه‌رو می‌شود که به او آرامش می‌بخشید و او را به‌سوی مردی به نام "سیلکا" راهنمایی می‌کند تا نزد او پنهان شود... دیری نمی‌پاید که نویسنده ما را به نزد شخصیت‌های گذشته بازمی‌گرداند. ما را به نزد "مرحوم" بازمی‌گرداند و او را می‌بینیم که بر خرش نشسته و به‌روزهایی می‌اندیشد که او را به‌جاهای بلند رساندند. محمد دیب در پایان "**تابستان آفریقایی**" ما را به آغاز آن، به نزد زکیه و پدر و مادر بزرگ و دایی و پسرعموی وی بازمی‌گرداند. محمد دیب در این داستان استعمار فرانسوی و منظره‌های پایداری مردم الجزایر را به نمایش می‌گذارد (شکری، ۱۳۶۶: ۳۱).

۳. نتیجه‌گیری

داستان، نقل وقایع و مجموعه‌ای از حوادث است که مربوط به شخصیت‌های مختلفی هست و تا حد زیادی عواطف، احساسات، اندیشه‌ها و گرایش‌ها در آن متجلی می‌شود. داستان به صورت نظم و نثر ارائه می‌شود.

شعر داستانی، حوادث و رویدادهای معین را با لباس قصه پوشانده است؛ به طوری که شخصیت شاعر در آن پنهان و شخصیت قهرمان داستان نمود پیدا می‌کند. در کنار نظم، متون نثری زیبایی نیز به صورت داستان درآمده‌اند که موضوعات مختلفی؛ همچون موضوعات تاریخی و اسطوره‌ای، وعظی و تعلیمی، اجتماعی، عاطفی و وجدانی، وطنی و قومی را دربرمی‌گیرند.

شاعر و نویسنده با بیان داستان؛ چه واقعی؛ چه تخیلی، از طریق گفت‌وگوهای مختلف و با استناد به واقعیت یا تخیل، قصد ارائه و بیان داستانی را برای خوانندگان دارد که این داستان می‌تواند درزمینه‌های مختلف؛ مانند تاریخی، اجتماعی، حماسی، عاشقانه و ... نمود پیدا کند.

داستان‌نویسان عرب در آغاز، بیشتر داستان‌ها را ساده بیان می‌کردند و نوگرایی پس از حمله ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ م شروع شد.

نثر داستانی در سرزمین‌های مصر، فلسطین، سوریه، الجزایر،... با توجه به موقعیت و فعل و انفعالات اجتماعی و سیاسی و تاریخی متفاوت است.

منابع

- اباطة، ثروت. (بی تا)، *القصه فی الشعر العربی*، مصر، مكتبة مصر.
- ابراهیمی، خداداد. (۱۳۹۲ ش)، *ادبیات داستانی فلسطین و سوریه*، مجله الفبا) نشریه داخلی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ابوهیف، عبدالله. (۲۰۰۰ م)، *النقد الأدبی العربی الجدید، فی القصه و الروایه و السرد*، منشور اتحاد الكتاب العرب.
- پروینی، خلیل. (۱۳۷۳ ش)، *تحلیل عناصر ادبی و هنری داستانهای قرآن*، تهران، فرهنگ گستر.
- رافعی، مصطفی صادق. (۲۰۰۰ م)، *تاریخ آداب العرب*، بیروت.
- زیدان، جرجی. (بی تا)، *تاریخ آداب اللغة العربیة*، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، دارالهلال.
- شارونی، یوسف. (۱۹۸۹ م)، *دراسات أدبیة مع الدراما*، مصر، دار طلاس.
- شکری، عالی. (۱۳۶۶ ش)، *ادب مقاومت*، ترجمه محمدحسین روحانی، تهران، نو.
- طالب، عمر. (بی تا)، *القصه فی شعر امرئ القیس*، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- طائی، ابراهیم. (۲۰۱۲ م)، *بین القصه الأدبیة والقصه الصحفیة*، الجامعة العراقية، كلية الآداب.
- طلیمات، غازی؛ الأشقر، عرفان. (۱۹۹۲ م)، *تاریخ الأدب العرب، الأدب الجاهلی*، دمشق، مكتبة الايمان.
- عبدالحمید، شاکر. (۱۹۹۲ م)، *دراسات أدبیة، الأسس الفنية للإبداع الأدبی فی القصه القصیره*، مصر، الهيئة المصرية للكتاب.
- فاخوری، حنا. (۱۹۸۶ م)، *الجامع فی تاریخ الأدب العربی*، بیروت، لبنان، دارالجيل.
- فریجات، عادل. (۲۰۰۰ م)، *مرايا الروایة، دراسات تطبیقیة فی الفن الروائی*، اتحاد الكتاب العرب.
- فضول، عاطف. (۱۹۷۰ م)، *قصص نجیب محفوظ من القاهرة الجدیة حتی الثلاثیة*، بیروت، الجامعة الامیریکیة.
- قناوی، عبدالعظیم. (۲۰۰۰ م)، *الوصف فی الشعر العربی*، مطبعة المصطفى البابی.
- مؤمنی، علی محمد. (بی تا)، *فن القصه القصیره*، اتحاد الكتاب العرب.
- نجم، محمد یوسف. (۱۹۹۸ م)، *فن القصه*، بیروت، دارالثقافة.